

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شهرت
پژوهشی

دانشکده حقوق

جهت دریافت درجه دکتری حقوق خصوصی

موضوع:

منشأ تحلیلی مسئولیت مدنی در حقوق ایران و انگلستان

استاد راهنما:

آقای دکتر حسین آبادی

اساتید مشاور:

آقای دکتر امینی ، آقای دکتر ساورائی

دانشجو:

محمد سار دوئی نسب

۱۳۸۴

۱۳۸۶ / ۸ / ۲۷

۱۰ / ۵۵۲

تقدیم به:

همسری مهربان

و فرزندانی دوست داشتنی!

عزیزان!

اهداء حاصل دو سال تلاش،

به محضر پیش کشی معنوی است.

پاره ای از هستیم و شما سزاوار تمام آن هستید.

استاد محترم

جناب آقای دکتر حسین آبادی، استاد محترم راهنما!

ممضر شما، ممضر معلمی شفیق، پدری مهربان و دوستی صمیمی بودا

ماصل من در این کلاس فراوان بود. برای همه نیکی‌ها سپاسگزاران هستم.

استادان محترم

اساتید مشاور و اعضاء هیئت ارزیابی

آقای دکتر مهر پور، آقای دکتر امینی، آقای دکتر ساورانی،

آقای دکتر عابدیان، آقای دکتر داراب پور، آقای دکتر پاسبان،

از زحمات بی دریغ، ارائه نظرات صائب در ارائه طریق که فراتر از قدر متعارف

بوده و شایسته تقدیم کمال تشکر و امتنان است، بسیار ممنون و سپاسگزارم.

شایسته است از ریاست محترم دانشکده حقوق جناب آقای دکتر افتخار که

عنایت زیادی فرموده و استاد راهنمای بنده در پایان نامه کارشناسی ارشد

نیز بوده اند و جناب آقای دکتر قاسمی همد و کادر اداری و کتابخانه

دانشکده حقوق و تحصیلات تکمیلی دانشگاه که قبول زحمت فرموده، تشکر

فراوان نموده و برای همه این بزرگواران آرزوی سلامتی و بهروزی نمایم.

فهرست اجمالی مطالب

۱۱	کلیات حقوق مسئولیت مدنی از نگاه فلسفه عمومی
۱۶	فصل اول: بنیادهای فلسفی حقوق مسئولیت مدنی
۴۸	فصل دوم: هستی شناسی حقوق مسئولیت مدنی
۸۶	بخش اول: تحلیل منشأ حقوق مسئولیت مدنی (به معنی اخص) از دیدگاه فلسفه حقوق ایران و انگلستان
۹۳	فصل اول: بنیان های نظری حقوق مسئولیت مدنی
۱۲۱	فصل دوم: اهمیت و بزرگی رفتاری قواعد مسئولیت مدنی
۱۳۸	فصل سوم: سیاست قضایی و منشاء مسئولیت مدنی
۱۵۴	فصل چهارم: ویژگی های رفتار مسئولیت آور
۱۸۲	بخش دوم: بررسی تفصیلی انعکاس تئوری عام مسئولیت مدنی در حقوق ایران و انگلستان (جایگاه داورى عرف و سیاست قضایی)
۱۸۵	فصل اول: عدم جامعیت تحلیل مسئولیت مدنی بر اساس تئوری تقصیر
۲۳۷	فصل دوم: انعکاس مبنای عام مسئولیت مدنی در صور خاص (جایگاه داورى عرف)
۲۸۳	فصل سوم: تأثیر تئوریهای حقوق عمومی در شکل گیری صور خاص مسئولیت مدنی (نقش سیاست قضایی)
۳۲۸	بخش سوم: قلمرو مسئولیت مدنی به معنی اخص و سایر الزامهای خارج از قرارداد
۳۳۱	فصل اول: زمینه های مسئولیت مدنی به معنی اخص
۳۶۲	فصل دوم: تحلیل سایر الزامات خارج از قرارداد
۴۱۲	نتیجه
۴۲۵	فهرست منابع فارسی
۴۲۸	فهرست منابع عربی
۴۳۲	فهرست منابع انگلیسی
۴۳۶	فهرست تحلیلی مطالب

مقدمه

در چند دهه اخیر حقوق مسولیت مدنی، گسترش بی سابقه ای پیدا کرده است. گسترش صنعت و تجارت و تاثیرات این دو، بر زندگی انسانی و ضرورت تعیین رژیم حقوقی روابط پیچیده انسانی و زندگی ماشینی، روز به روز بیشتر احساس می شود. توسعه تئوری‌های قراردادی، برای پیدا کردن راه حل مسائل موجود، چاره مناسبی برای موضوع نمی‌باشد. طبیعت این امور به گونه‌ای است، که باید از طریق توسعه قواعد و مفاهیم مسئولیت مدنی، حل و فصل شوند.

در حقوق ایران، تئوری‌های کلی مسئولیت مدنی و خصوصاً قاعده عمومی و مبنای عام مسئولیت مدنی، مورد وفاق حقوقدانان نبوده است. جمع بین مقررات اتلاف و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و مسئولیت ناشی از غصب و موارد مشابه و مسئولیت ناشی از اشیاء و اشخاص تابع و مسئولیت کارفرما نسبت به حوادث کار و مسولیت ناشی از داشتن وسیله نقلیه موتوری، مشکل می‌باشد.

ادعای نسخ قواعد اتلاف و غصب، بعد از تصویب قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ در حقوق ایران، ناشی از تبعیت کامل از مبانی فلسفی مسئولیت تقصیری، بود. با تصویب قانون مجازات اسلامی و بیان موجبات ضمان در آن، گرچه بحث نسخ مقررات ناظر بر مسئولیت بدون تقصیر، پایان یافت، لکن مباحث مربوط به مبنای مسئولیت مدنی در حقوق ایران، در ابهام بیشتری فرو رفت.

آیا حکم ضمان ید (ماده ۳۰۳ قانون مدنی) وقواعد ناظر بر باب غصب، با حکم ماده ۱ قانون مدنی مسئولیت مدنی و قاعده اتلاف ماده (۳۲۸) قانون مدنی

قابل جمع است؟ آیا اندیشه واحدی زیربنای هر سه قاعده است؟ مبنای مسئولیت مدنی به معنی اخص در حقوق ایران چیست؟ آیا تقصیر است؟ آیا ضرر است؟ آیا تئوری خطر است؟ آیا یکی از این دو اصل و دیگری استثناء است؟ به طور کلی، آیا صاحبان این تئوری ها، به واسطه طرح اصطلاح «مبنای مسئولیت مدنی»، با توجه به غموض معنی این واژه، موجب تشتت آراء نشده‌اند؟ ما سعی کرده‌ایم به جای درگیر شدن در این بحث، با تمام توان، مجموعه اندیشه‌های زیر بنائی مسئولیت مدنی را تحلیل نمائیم.

سؤال دیگر این است که، سایر الزامات خارج از قرارداد، چه ارتباطی با مسئولیت مدنی به معنی اخص دارند؟ تئوری منع دارا شدن غیر عادلانه، چه جایگاهی در حقوق ایران و در الزامات خارج از قرارداد دارد؟ مبنای استیفاء واداره مال غیر و ایفاء ناروا چیست؟ آیا هر یک قلمرو مستقلی دارند؟ آیا اندیشه واحدی آنها را به یکدیگر مرتبط می‌سازد؟

ذوق سلیم، پراکندگی مبنای مسئولیت مدنی، بویژه مسئولیت مدنی به معنی اخص را بر نمی‌تابد. تنوع مبنای مسئولیت مدنی بدون وجود سبب و توجیه خاص نیز، با منطق حقوقی سازگار نمی‌باشد. ما ضمن این رساله سعی کرده ایم تا دیدگاه‌های کلی و عامی را که همه موارد فوق را پوشش دهد و به حقوق مسئولیت مدنی ایران سامان دهد و انسجام قواعد مسئولیت مدنی رابه نمایش بگذارد، ارائه دهیم.

حقوق مسئولیت مدنی به معنی اخص، غالباً به عنوان ضمانت اجرای رعایت برخی هنجارهای اجتماعی است. از این طریق حقوق مسئولیت مدنی نقش هدایتگر سلوک اجتماعی را دارد. حقوق مسئولیت مدنی درکنار اخلاق، سلوک و رفتار مناسب اجتماعی را در زمینه های خاص، پی ریزی کرده و سامان می‌بخشد و به حس مسئولیت شناسی و مسئولیت پذیری جهت می‌دهد. اخلاق

انعکاس دهنده ارزشهای اجتماعی و حقوق تضمین کننده ثبات مهمترین این ارزشها، می باشد. این ضمانت اجرا، غالباً موجب رعایت احتیاط لازم و هشیاری در رفتارهای اجتماعی، می شود.

فلسفه عمومی انگلستان، بر نظام حقوقی آن کشور سایه افکنده است و از طریق پردازش مبانی کلی برای بخش های مختلف حقوقی، انسجام و سنخیت خاص خود را در مجموعه نظام حقوقی آن کشور تحقق بخشیده است. مسئولیت مدنی نیز به عنوان یکی از بخشهای حقوق از این قاعده مستثنی نیست. بلکه به جرأت می توان گفت ضرورت وحدت مبنا در این بخش بیشتر احساس می شود. ذات حقوق مسئولیت مدنی به معنی اخص، تکثر ناپذیر است. مگر اینکه ضرورت ناشی از دخالت حقوق عمومی با آن آمیخته شود. در آن صورت آن بخش متداخل تغییر ذائقه می دهد. و این یک امر پیوندی است و حقوقدان، به وضوح اهداف حمایتی را در این بخش از حقوق مسئولیت مدنی، لمس می کند.

شکل گیری سه تئوری مستقل در حقوق فرانسه در خصوص مبانی مسئولیت مدنی به معنی اخص، آن هم در مقام تفسیرپنج ماده از قانون مدنی فرانسه، (مواد ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶) به وضوح تأییدی است بر این ادعای ما، که مسائل مسئولیت مدنی، بدون داشتن دیدگاه روشنی در فلسفه حقوق، قابل حل و فصل نمی باشد. لذا شروع بحث از قلمرو فلسفه حقوق برای تحلیل منشأ مسئولیت مدنی در حقوق ایران و انگلیس کاملاً صحیح و اصولی است.

طبیعت غیر قراردادی مسئولیت مدنی به معنی اخص، وارتباط آن با هنجارهای رفتاری جامعه، موجب شده تا برای فهم دقیق مبانی آن، ناگاه خود را در قلمرو فلسفه حقوق بیابیم. به کمک بررسی موضوع از دیدگاه فلسفه

حقوق است که زوایای تاریک موجود، روشن خواهد شد. مسائل مسئولیت مدنی را، نمی توان بدون داشتن دیدگاه روشن در فلسفه حقوق، پاسخ داد. بنابراین، راه برای گشودن یک باب در فلسفه حقوق، برای شناخت مبنا، مفتوح می باشد.

فرضیه وایده پیشنهادی ما، که در متن رساله به تبیین آن پرداخته ایم، شامل نکاتی چند است. نکته اول اینکه، حقوق مسئولیت مدنی را نمی توان بر مبنای یک تئوری خاص، استوار نمود. تئوری تقصیر، به عنوان فراگیرترین تئوریهها نیز، نمی تواند تمام زوایای حقوق مسئولیت مدنی را روشن نماید.

ناتوانیهای غیر قابل اغماض این تئوری (حتی در درون سیستم حقوقی فرانسه) که اعتبار نظری این تئوری را مخدوش نموده، در کنار قواعد صریح و روشن در قانون مدنی ایران، که قابل حمل بر تئوری تقصیر نمی باشند، به عنوان مشکلات تطبیق عملی این قاعده در حقوق ایران، ما را بر آن داشت که نگاهی نو به تئوریههای مطرح شده بیاندازیم، تا زمینه ای برای شکل گیری کارآمدترین اندیشه فراهم شود. در خلال بحث، به ضعف های نظریه تقصیر، و به قصور آن از پوشش کلیه جوانب مسئولیت مدنی پرداخته ایم. و ضمن توجه به ارزش کاربردی این ضابطه، به این نتیجه رسیده ایم که با توجه به گسترش دایره استثنائات بر این مبنا، از کفایت نظری لازم برای مبنای عام بودن مسئولیت مدنی قاصر است.

نکته دیگر اینکه، ما به جای پرداختن به بحث نظری و لفظی بر روی برخی اصطلاحات به عنوان مبنای مسئولیت مدنی، جایگاه عرف رادر مسئولیت مدنی تبیین نموده ایم. جوهره حقوق مسئولیت مدنی، داوری عرف است. داوری عرف، قلمرو گسترده تری از مفهوم تقصیر دارد. در عین حال، تقصیر

نیز، راهبردی ترین ضابطه مسئولیت عرفی است. مگر نه اینکه تقصیر مفهومی اجتماعی(عرفی) دارد و برای احراز آن به عرف رجوع می کنیم؟

نکته دیگر اینکه، هر قاعده ای که، اساس آن را در داوری عرف نتوان یافت، بطور یقین، در تئوری های حقوق عمومی و در فلسفه سیاسی حاکم، ریشه دارد. مقنن گاهی با هدف حمایت از طبقه کارگر در برابر خطرات محیط کار و گاهی با هدف تحمیل زیانهای ناشی از وسایل نقلیه موتوری بر دارندگان آنها، و گاهی به منظور حمایت از مصرف کننده در برابر تولید کنندگانی که معمولاً از توان اقتصادی بالائی برخوردار هستند، دخالت می کند و قواعد خاصی را وضع می کند.

ملاحظات مداخله جویانه ای، که موجب تغییر ذائقه قواعد حقوق مسئولیت مدنی می شود، موارد اعمال^۴ تئوری سیاست قضائی، می باشند. منظور از «سیاست قضایی» منحصر به تدبیرهای و سیاست های حاکم در جهت تطبیق دادن رویکردهای اجتماعی، برنصوص قانونی نیست. بلکه سیاست قانونگذار در تدوین قوانین و بطور کلی جهت دهی کلی قواعد حقوقی است. دقت و امعان نظر در تئوری «سیاست قضایی» کلید بسیاری از سئوالات راجع به موارد انحراف از مبنای عام مسئولیت مدنی است.

نکته دیگر اینکه، ما ضمن این رساله، در جهت تبیین جایگاه منابع غیر قراردادی تعهد، تلاش کرده ایم. ارتباط منابع غیر قراردادی تعهد را به عنوان «مسئولیت مدنی به معنی اعم»، بایکدیگر از یک سو، و ارتباط آن را باحقوق «مسئولیت مدنی به معنی اخص» از سوی دیگر، بررسی و تحلیل کرده ایم. تئوری «منع دارا شدن غیر عادلانه» به عنوان یکی از منابع «مسئولیت مدنی به معنی اعم» و به عنوان اساس قواعدی مانند استیفاء و حقوق ناظر بر

استرداد مال پرداخت شده از روی اشتباه و موارد مشابه، مورد تصدیق قرار گرفته است.

ما در چهار بخش به مباحث فوق، پرداخته‌ایم. در بخش کلیات، به بحث و بررسی تئوری‌های فلسفه عمومی راجع به مبنای رفتار انسان، پرداخته‌ایم و سعی کرده‌ایم، تاثیر و ارتباط آنها را با حقوق مسئولیت مدنی، گوشزد نماییم. و سپس به تبیین هستی‌شناسی حقوق مسئولیت مدنی، پرداخته‌ایم. در خلال این بحث، اهمیت عرف به عنوان نتایج خلوص و تنزل یافته هنجارهای سلوکی و لازم الاجراء اجتماعی، روشن شده است.

در بخش اول رساله، به بررسی حقوق مسئولیت مدنی، از دیدگاه فلسفه حقوق پرداخته‌ایم. بنیانهای نظری حقوق مسئولیت مدنی، از طریق انعکاس تئوری‌های رفتاری فلسفه عمومی (که در کلیات مطرح گردید)، در فلسفه حقوق مسئولیت مدنی به معنی اخص، مورد بحث قرار گرفته است. در این بخش، سعی کرده‌ایم، تا اندیشه‌های بنیانی راجع به مبنای مسئولیت مدنی، در حقوق ایران و انگلستان را، استخراج نماییم.

در بخش دوم، به بازخوانی نحوه انعکاس تئوری مبنای مسئولیت مدنی به معنی اخص، در حقوق موضوعه بازگشته و چپینشی جدید از قواعد تفصیلی مسئولیت مدنی، بر اساس اندیشه عام استخراج شده را، مطرح نموده‌ایم. صدالبته در خلال این تحلیل، فهم قواعد مسئولیت مدنی و نسبت آنها با یکدیگر آسان شده و فواید آموزشی بسیار دارد. زیرا با توجه به عنایت کمی که به قواعد مسئولیت مدنی در برنامه‌های آموزشی می‌شود، هضم مجموعه قواعد مسئولیت مدنی در حقوق ایران، کار آسانی نمی‌باشد.

در بخش سوم، به منظور تعیین قلمرو حقوق مسئولیت مدنی به معنی اخص، به تحلیل منشا سایر الزامهای خارج از قرارداد پرداخته‌ایم. قانون مدنی

ایران، منابع غیر قراردادی تعهد را تحت عنوان الزامهای خارج از قرارداد بیان نموده است. مسئولیت مدنی در معنی اعم، شامل مواردی غیر از ضمان قهری نیز، می‌باشد. الزامات غیر قرار دادی، بر مبنای زیان یک شخص که باید توسط دیگری جبران شود پایه ریزی شده‌اند. ما مجموعه این الزامات خارج از قرار داد را، تحت عنوان «مسئولیت مدنی به معنی اعم» طبقه‌بندی و بحث خواهیم نمود. تلاش کرده‌ایم تا ارتباط مصادیق این باب را با یکدیگر، روشن نماییم. از نظر قانون مدنی ایران الزاماتی که بدون قرارداد حاصل می‌شود، عنوانی عام است، که مواردی از جمله مصادیقی از تئوری دارا شدن غیر عادلانه،^(۱) مانند ایفاء ناروا، استیفاء، اداره مال غیر، غصب و در حکم آن، اتلاف، تسبیب را شامل می‌شود.

به منظور غنای بحث و افزایش توان اقتناعی آن، از سرچشمه اندیشه‌های مبنای مسئولیت مدنی در نظامهای مختلف حقوقی، شروع کرده و تلاش نمودیم در حصار تئوریهای مطرح شده در این زمینه، باقی نمانیم، تا مجبور نباشیم به منظور توجیه نتایج غیر منطقی برخی از این تئوریها، در راه مبالغه و مجاز گوئی، گام نهمیم. نمونه این روش، تجربه مایوس کننده‌ای بود که برخی از حقوقدانان فرانسوی در تطبیق تمام موارد مسئولیت مدنی بر تئوری تقصیر، آن را لمس کردند. تا جائیکه عده‌ای از آنان صریحاً اعلام کردند که حقوق مسئولیت مدنی در قانون مدنی فرانسه مبتنی بر تئوری خطر و یا تئوری

^۱ - گرچه عنوان «دارا شدن غیر عادلانه» در قانون صریحاً ذکر نشده است. اما با توجه به توصیف و تحلیل قواعد پراکنده قانون مدنی، می‌توان این تئوری را در حقوق ایران و فقه اسلامی تأیید نمود، که بعداً به آن خواهیم پرداخت.

تضمین حق است و نظریه تقصیر را بطور کلی مردود و دست و پاگیر اعلام کردند!

ما با مطالعه تطبیقی موضوع با حقوق انگلیس، غنای آموزشی بحث را افزایش داده ایم. توجه به فلسفه حقوق انگلیس و مقایسه قواعد در دو سیستم حقوقی، به وضوح مطلب خواهد افزود. در کامن لو انگلستان و سیستم های مشابه آن، که قواعد حقوقی جزئی بوده و از کلیت قواعد مشابه در حقوق نوشته برخوردار نمی باشند، این قواعد^(۱) در طول زمان تحت تأثیر اندیشه های فلسفی - حقوقی قضات کامن لوشکل گرفته اند. لذا استقراء در این موارد جزئی، ما را به اندیشه مبنای تفکر فلسفی مسئولیت مدنی، در حقوق انگلیس، رهنمون می سازد.

سیستم حقوقی انگلستان و آمریکا، بدون اینکه نتایج خشک تئوری تفصیر را پذیرا شوند، توانسته اند با استفاده از این نظریه، قواعد مسئولیت مدنی خاص خود را، توسعه دهند. لکن اصول گرایی حقوقی و شاید تعصبات خاص فرانسویان، اجازه به ثمر نشستن راهی که ژوسران و سالی و استارک گشوده اند را نداده است. در عمل و بنا به ضرورت های اقتصادی و اجتماعی، استثنائات وارده بر اصل تقصیر، در حقوق فرانسه، روز به روز، توسعه یافته است، که آخرین آن هم نخواهد بود. ما بدون اینکه ذره ای از اهمیت مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر، غفلت کنیم، تفصیل موضوع را به بحث تفصیلی رساله محول می کنیم.

ما نمی توانیم تمام نتایجی را که در طول این تحقیق گام به گام و با استدلال محکم به آن می رسیم، یکجا در ابتداء عرضه نمائیم. چرا که خوف داریم که انس ذهنی حقوقدانان با تئوریهای خاص، وبدون ملاحظه توان اقتناعی

^۱- Rules

استدلال ما، استبعاد آنان را بر انگیزد! به ویژه آن گروه، که بدون تردید و با قاطعیت، مبنای عام مسئولیت مدنی را در حقوق ایران «تئوری تقصیر» اعلام کرده اند، اگر تا پایان بحث همراه باشند در خواهند یافت که ما آنچه آنان تأیید کرده‌اند، مردود اعلام نمی‌کنیم ولی نقاط ضعف یأس آور این تئوری را، آن هم در مهد و خاستگاه تئوری تقصیر (حقوق فرانسه) از نظر دور نمی‌داریم.

روش مطالعه و تحقیق، روش تحلیلی مفهومی و در مواردی، روش تحلیلی فلسفی و گاهی روش اصولی و منطقی خواهد بود. دیدگاه دانشمندانی که با روش جامعه‌شناسی به موضوع پرداخته‌اند نیز، مورد توجه قرار گرفته است. بررسی تفصیلی قواعد مسئولیت مدنی، از حوصله این رساله خارج است. هدف و مقصد ما، تبیین تئوری کلی مسئولیت مدنی و تعیین قلمرو و مرزهای آن است. بنا بر ضرورت‌های خاص، گاهی به قلمرو قواعد جزئی و تفصیلی حقوقی نیز وارد شده‌ایم. لذا حدود بحث از این جهت، کاملاً روشن نمی‌باشد.

کلیات

حقوق مسئولیت مدنی

از نگاه فلسفه عمومی

تحریر بحث

فلسفه عمومی انگلیسی با مبناء قرار دادن «تئوری سود و منفعت»، رفتار و سلوک انسانی را تفسیر می کند. اندیشه حقوقی که در تکامل و کنترل حقوق نیز، نقش محوری دارد، بر بنیان این تئوری استوار است. تفسیر قواعد و دادرسی و قضاوت نیز تحت تأثیر این اندیشه قرار دارد. تأثیر اندیشه سودگرایی انگلیسی در تمامی کشورهای انگلوساکسون، شگرف بود. ظهور مکتب «براگماتیسیم» یا «کارکرد گرایی» در نتیجه تحولات این اندیشه بود.

در برابر این فلسفه فراگیر در کشورهای انگلوساکسون، از درون، مقاومت‌هایی صورت گرفته است. کما اینکه ریچارد پرایس انگلیسی، بر این باور بود که عقل انسان، توانایی درک بلاواسطه حقایق را دارد و می تواند خود، نیک را از بد، تمیز دهد. این حقایق ثابت، که عقل آنها را دریافت می کند، قواعد اخلاقی را تشکیل می دهند. وی معتقد بود ثبات این قواعد و اصول با اصول هندسه قابل مقایسه اند. از بین بردن ثبات این اصول، مستلزم انهدام عقل و

معرفت است.^(۱) البته اندیشه های مشابه تفکر وی، بطور گسترده مورد قبول فلاسفه انگلیسی قرار نگرفته است.

نتیجه منطقی اندیشه فلسفی تجربی و مسلک حسی، و تئوری اصالت لذت و فایده، باید این باشد، که قواعد حقوقی به سرعت متحول و متبدل گردند. اما بنا به دلایلی تحول و تغییر در قواعد حقوق انگلیسی کند و آرام است. یکی از این دلایل خصیصه حقوق است، که تمایل به سکون و بقاء و مقاومت در برابر تغییر، از ویژگی های حقوق است. دلیل دیگر آن دلبستگی قضات و حقوقدانان انگلیسی به سابقه قضائی می باشد. تعصب و خود شیفتگی خاص اروپایی نیز عامل مهمی برای حفظ میراث گذشته بوده است.

این امر در حقوق آمریکا، چهره واقع گرایانه تری از خود نشان داده است. و بنا به مقتضیات تجربی و ضرورت و مصلحت و فواید خاص، قواعد با سرعت بیشتری مورد محک « پراگماتیسم حقوقی » قرار می گیرند. طبیعی است که با جانیشنی روش تجربی و روش جامعه شناسی و انزوای نسبی منطق حقوقی و بر اساس سنجش و کارکرد قواعد حقوقی، قاعده سابقه، کم کم در حقوق آمریکا رنگ ببازد. ویلیام جیمز^(۲) درستی هر قاعده ای، که در هر دعوی بکار رفته را وابسته به دلایل و مصلحت های ویژه آن می داند. و با تکیه بر اهمیت تجربه و مشاهده، اعتماد بر اصول عقلی و تلقی آن به عنوان قواعد ثابت را، رد نموده و پی روی از قاعده سابقه را صحیح نمی داند.^(۳) هومز^(۴) با تکیه بر همین اندیشه ها و آراء، استناد به قواعد حقوقی مربوط به دوران هنری

^۱ Richard price, A Review of Principal Question in Morals, London 1787
chapter.1 p.10

^۲ William James (۱۸۴۲-۱۹۱۰)

^۳ - دکتر ناصر کاتوزیان، فلسفه حقوق، جلد اول شرکت سهامی انتشار ۱۳۷۷ ص ۱۷۳ ش ۷۱

^۴ Holmes (۱۸۴۱-۱۹۳۵)

چهارم را، موجب اشمئزاز می داند.^(۱) به ویژه اینکه به اعتقاد وی، مصلحت های مورد استناد آن قاعده نیز مدتهاست که از بین رفته است. از طرف دیگر هومز منطق حقوقی را وسیله ای فریبنده می داند، که هدف زندگی انسان نمی باشد. زیرا در ورای ظاهر منطقی حکم دادگاه، قضاوت انسان است که بیشتر به ارزش و تنایج رای خود می اندیشد. به اعتقاد وی هر نتیجه ای را می توان ظاهری منطقی بخشید.

علیرغم اینکه چنین افکاری مدتهاست در آمریکا تأثیرات شگرفی به جا گذاشته است ولی حقوق بومی انگلستان، ضمن تکیه بر مبنای ارزشی مصلحت و نفع گرایی، همچنان مصرانه قواعد سابقه قضائی را بعنوان مبنای کار خود، حفظ کرده است و اندیشه نفع گرایی، بیشتر در انتخاب قاعده و پرونده متناسب با تئوری مذکور و به منظور تفسیر قواعد تأثیر گذار بوده است.^(۲)

بطور خلاصه می توان مبنای حقوق مسئولیت مدنی را در کشورهای انگلوساکسون، نیازها و مصالح جامعه دانست. گرچه اکثر تئوری پردازهای فلسفه این کشورها، برای عدالت، مبنای مستقلی از مصالح و منافع قائل نمی باشند، ولی با توجه به سرشت و طبیعت انسانی، که آنها در ارائه نظریات از آن غافل مانده اند، این سرشت عدالت خواه انسان، چهره خود را در پوشش مصلحت و نیازهای اجتماعی، بر آنها پوشیده نگه داشته است. اگر این نقاب کنار زده شود، آنگاه چهره اصل ثابت عدالت، هویدا خواهد گشت.

البته آنها این ایراد را بر ما خواهند گرفت که آنچه شما به عنوان اصل ثابت عدالت در نظر دارید، پوششی بیش نیست که در پس آن، چهره تجارب و

۱- نقل از دکتر ناصر کاتوزیان. همانجا

۲-Lloyd.N.Garrison, Carl.A.Auerbach, Willard Hurst, Samuel Merin, The Legal Process, an Introduction to Decision, Candler, 1961, p.371

آموزه‌های شما از پدیده‌ها و مصالح و نیازهای اجتماعی است. از نظر آنان عدالت مفهومی نا اصل است که خمیره اصلی آن، بازتاب ذهنی تجربه‌های حقوقی مبتنی بر ضرورت‌ها و نیازها و مصالح متحول و غیر ثابت اجتماعی است. ما در بخش اول در این مورد مفصل بحث کرده‌ایم و نشان داده‌ایم که این نظریه، گرچه در مهد تولد آن بخشی از حقیقت را در بر دارد، ولی دارای ضعفهای اساسی و غیرقابل جبران است.

ما در بخش کلیات، بنا به ضرورت فوق‌الاشعار، به بحث و بررسی تئوری‌های فلسفی راجع به مبنای رفتار انسان، پرداخته‌ایم و سعی کرده‌ایم، تاثیر و ارتباط آنها را با حقوق مسئولیت مدنی، گوشزد نمائیم. و سپس به تبیین هستی‌شناسی حقوق مسئولیت مدنی، پرداخته‌ایم. در خلال این بحث، اهمیت عرف به عنوان نتایج خلوص و تنزل یافته‌های سلوکی و لازم‌الاجراء اجتماعی، روشن شده است.

فصل اول: بنیانهای فلسفی حقوق مسئولیت مدنی

تحریر بحث

نمی توان، حقوق یک کشور را بدون توجه به فلسفه حقوق آن سیستم حقوقی، بطور کامل درک نمود. حقوق درختی بدون ریشه نیست که بدون توجه به زمینه رویش آن تحت بررسی و آزمایش قرارگیرد. شناخت حقوق در میان سایر پدیده های اجتماعی حاصل می شود. فرهنگ و تاریخ و اقتصاد حتی سیاست هر بیت را باید شناخت، تا قواعد حقوقی روشن تر، شناسائی گردند.

ناچاریم برای یافتن مبنای عام مسئولیت مدنی، به قلمرو فلسفه حقوق مسئولیت مدنی وارد شویم و ناچاریم برای فهم فلسفه حقوق مسئولیت مدنی، توجهی هم به فلسفه اخلاق داشته باشیم. یقیناً شناخت حقوق مسئولیت مدنی، بدون آگاهی از اخلاق حاکم، آسان نخواهد بود.

مطالعه حقوق مسئولیت مدنی در حقوق ایران و حقوق انگلستان نیز، مستلزم شناخت فلسفه حقوق مسئولیت مدنی، در این دو سیستم حقوقی می باشد. نمی توان به صرف تجزیه و تحلیل منطقی قواعد، اکتفاء نمود. باید تلاش کرد، حقوق ایران را آنگونه که حقوقدانان ایران و حقوق انگلیس را آنگونه که حقوقدانان آن کشور می فهمند، مطالعه کنیم. شا کله ذهنی حقوقدان، متأثر از فرهنگ، فلسفه اخلاق و تاریخ حقوق کشورش، می باشد.

دیدگاه های فلسفی اندیشه انگلیسی، نه تنها با نگاه فلسفه شرق، بلکه با فلسفه اروپای بّری نیز، تفاوت بسیار دارد. فلاسفه اروپای بّری بطور معمول روشهای عقلی و معرفت متکی بر یافته های عقلی و تجربی را، مورد توجه قرار داده اند. اما فلسفه انگلیسی، متکی بر روش حسی و تجربی بوده و روشها